رهنما
آستان قدس رضوی
۹۶

دریچه‌ای نو به زندگی

سید مهدی قانع



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۹۶ (دریچه ای نو به زندگی)

نویسنده:

مهدی قانع

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما۹۶ (دریچه ای نو به زندگی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : قانع، مهدی، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : دریچه ای نو به زندگی/ نویسنده سیدمهدی قانع ؛ به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی«آستان قدس رضوی».

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۲ص.؛۱۰×۱۵س م.

فروست : رهنما؛۹۶.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۷۹-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : اخلاق اسلامی

موضوع : احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴

موضوع : داستان های آموزنده-- مجموعه ها

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۲۴۶/ق۵د۴ ۱۳۹۱

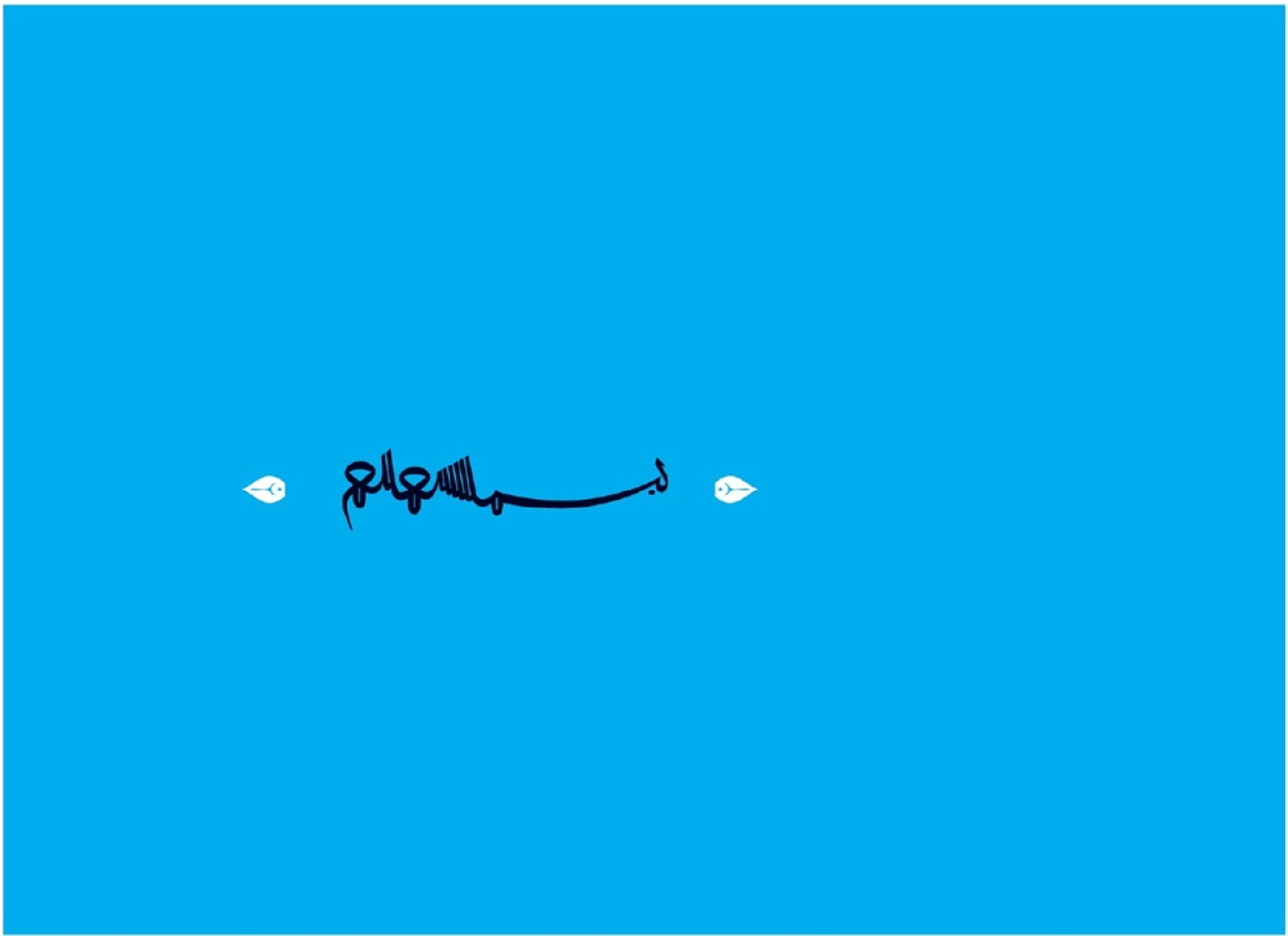
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۵۴۶۱۸

ص:۱

اشاره

تصویر



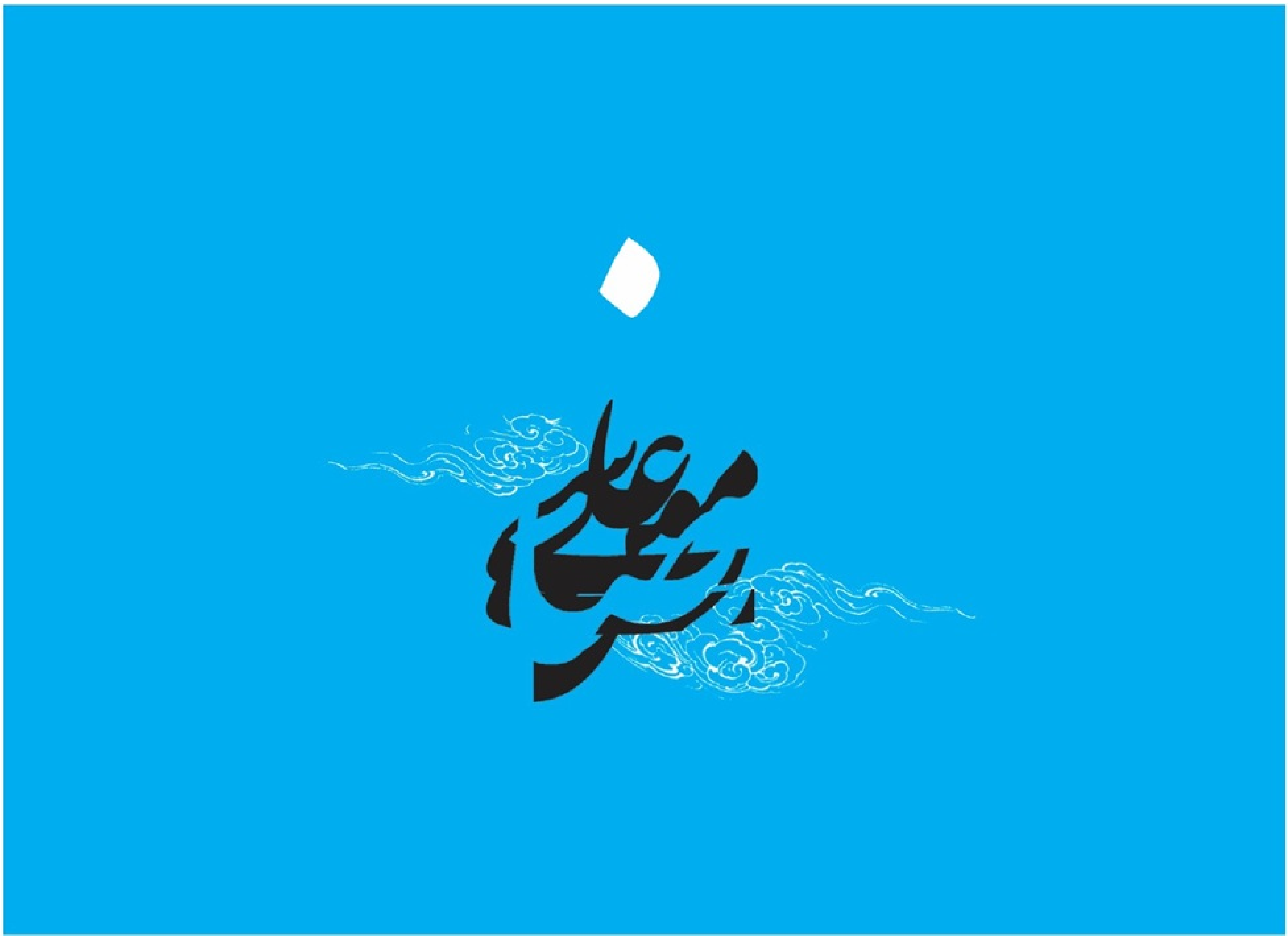
ص:۲

تصویر



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



ص:۴۰

دریچه ای نو به زندگی

پاسخ به پرسش های زیر، نگارش متنِ پیشِ رو را توجیه می کند:

۱. جمع کردن برای ماندن یا ازپیش فرستادن برای روز موعود؟ در تنگنای این حیرت، کدام را باید برگزید؟

۲. بی چشم انداز به کجا می رویم؟

۳. مشکلات بر شانه های ما فرود می آیند یا سکوی رشد ما می شوند؟

۴. شکرگویی چگونه بستری برای والاترشدنِ زیستن ما فراهم می آورد؟

۵. عُجب چیست و غرور کدام؟ چگونه از چاله ای بپریم که این دو پیشِ پای رهرو می کَنند؟

۶. می گویند: «دوستان خط کش های پنهان رفتار و فکر مایند.» چرا؟

۷. رسانه های امروزین چگونه انسان را در خانهٔ خود غریب می کنند؟

تصویر



ص:۶

اشاره

کبوتری گوشهٔ حیاط منزلمان نشست؛ با نگاهی به اطراف، برای پیدا کردن دانه. به جست وجو در زمین پرداخت. ناگهان جستی زد و پرید... . با خود گفتم: «چرا پرید؟ آیا خطری حس کرد؟ یا به یاد جوجه های گرسنه و رهاشدهٔ خود افتاد؟ یا به امیدِ یافتن جایی بهتر پرواز کرد؟ هرچه بود، از ماندن در اینجا راضی نبود.» ناگهان، این جمله در ذهنم جرقه ای زد: «اگر کسی به جایی که هست، دل خوش باشد، حرکت نمی کند و در همان جا می ایستد. کسی حرکت و پرواز می کند که بر حال و جایگاه خود نقد دارد و زمزمهٔ «ظلمتُ نفسی» سر می دهد. کسی از جایگاه خود دل می کَند که آرزو و چشم انداز بهتری در سر دارد.»

یاد این سخن امیرمؤمنان، علی، افتادم: «خدا رحمت کند کسی را که به حساب خود برسد و برنامه ای برای سرانجام داشته باشد. بداند از کجا آمده، در کجاست و به کجا

ص:۷

می رود.»(۱) راستی، ممکن است چیزی از این سخن به ذهن این کبوتر وارد شده باشد؟!

در سورهٔ اعراف آمده است: «جهنم را برای بسیاری از جنّیان و آدمیان آفریده ایم؛ چراکه دل هایی دارند که با آن، حقایق را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آن ها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آن ها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه ترند. آری، آنان همان غافل ماندگان اند.»(۲)

این نوشتار از ما می خواهد نگاهی تازه به زندگی خود بیندازیم. شاید بال های همت ما به هوسِ پرواز تکانی بخورد و ما را از جا بلند کند. امیرمؤمنان می فرمایند: «دانا کسی است که قدر

۱- . روی عن امیرالمؤمنین حیث قال: رحم اللّه امرئ اعد لنفسه و استعد لرمسه و علم من این و فی این و الی این. محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی، شرح أصول الکافی (صدرا)، ج ۱، چ۱، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش، ص۵۷۱.

۲- . لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ کَثیراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لا یفْقَهُونَ بِها وَ لَهُمْ أَعْینٌ لا یبْصِرُونَ بِها وَ لَهُمْ آذانٌ لا یسْمَعُونَ بِها أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ. اعراف، ۱۷۹.

خود را بشناسد و در نادانی انسان، این بس که ارزش خویش نداند. دشمن ترین افراد نزد خدا کسی است که خدا او را به حال خود واگذاشته که از راه راست منحرف شود و بدون راهنما برود.»(۱)

ص:۹

۱- . الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَی بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا یعْرِفَ قَدْرَهُ وَ إِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الرِّجَالِ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی لَعَبْداً وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَی نَفْسِهِ جَائِراً عَنْ قَصْدِ السَّبِیلِ سَائِراً بِغَیرِ دَلِیلٍ. صبحی صالح، ص۱۴۸، خطبۀ۱۰۲.

تصوير



ص:١٠

فصل اول: از کاروان جا نمانید...

اشاره

تصویر



ص:۱۱

۱.۱. چقدر عمر کرده ای؟

راستی، می دانید غواصی که در عمق آب است، به چه فکر می کند؟

معمولاً ازهم می پرسیم چند سال داری؛ یعنی چقدر عمر کرده ای. شاید باور نکنید تنها چیزی که برای غواص ارزش ندارد، اکسیژن هایی است که مصرف کرده است. او بیش از همه به آن فکر می کند که چقدر اکسیژن دارد و الان کجاست. اگر بداند در غار پیش روی خود صندوقچهٔ گنجی است که او را وسوسه می کند، عقل، او را به فکر راه بازگشت می اندازد و محاسبه می کند با این میزان اکسیژن، آیا می تواند به درون غار برود، به گنج دست یابد، آن را بردارد، از غار بیرون بیاید و خود را به بیرون آب برساند؟ این گنج ارزش چنین ریسکی دارد که جان خود را به خطر اندازد؟

حال از شما می پرسم: در دریای این دنیا شما چقدر عمر مصرف کرده اید و چقدر عمر دارید؟ به هوای چه گوهری به درون غار آرزوها وارد می شوید؟ اگر از ماهرترین غواص دنیا

ص:۱۲

این سؤال را بپرسید، می گوید: «برای همکاران خود از دو چیز نگرانم: یکی فقط به گنج فکر کردن و از پایانِ کار غافل بودن و دیگری به دنبال گنج، راهیِ غار های دراز و پیچ در پیچ شدن.»

این مطلب، معنای همان سخن امام علی است که می فرمودند: «ای مردم، همانا من از دو چیز بر شما می ترسم: اول، پیروی و پرستش هوا و هوس و دوم، به دنبال آرزوی های دراز رفتن. پیروی از هوا و هوس نفس انسان را از راه حق باز می دارد و آرزوی دراز آخرت و پایان کار را از یاد انسان می برد. آگاه باشید دنیا به سرعت پشت کرده و از آن، جز باقی ماندهٔ اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می آید.»(۱)

پس، اگر وسط راه هستی، از همین امروز باید گذشته را جبران کنی. گام بعدی خود را

۱- . صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۸۳ خطبهٔ ۴۲.

گـامِ بازگشت سازی. امام جواد فرمودنـد: «تأخیرانـداختن توبه مایـهٔ فریب خوردن است و به فردا و پس فردا افکنـدن، مایـهٔ سـرگردانی و بهانه تراشـی دربرابر خداونـد متعـال، مایهٔ هلاـکت و پافشاری بر گناه، مایـهٔ ایمن پنداشـتن خویش. جز زیان کاران، خود را از مکر خـدا ایمن نمی پندارند.»(۱)

۱.۲. باید دودوتا چهارتا کرد

همـهٔ اثاثیـهٔ منزلش را حراج کرده بود. پرسـیدم: «می خواهی مـدل جدیـد بخری؟» گفت: «نه، می خواهم به خـارج کشور بروم. به پول احتیاج دارم.» گفتم: «وضع مالی ات که خوب است!» گفت: «نه، کم می آورم؛ چون چنـد روزی بایـد در اینجا زنـدگی کنم تا گذرنامه ام جور شود. پس، باید شب ها در هتل باشم. مقداری هم هزینهٔ هواپیما و ماشـین است و بقیه برای آن طرف: سـرمایه گذاری و مسـکن و... . درضـمن، این اثاثیه دیگر به درد من نمی خورد. پس،

۱- . مجلسی، محمدباقربن محمدتقی، بحارالانوار، ج ۶، چ۲، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۰، حدیث۳۶.

بگـذار دردی از آن طرف برایم دوا کنـد.» راسـتی، چه خـوب حسـاب و کتـاب می کرد! فکر همه چیز را کرده بـود. حـتی چنـد شـبی که می خواست اینجا در هتل بمانـد و... . اگر چیزی به کسـی می داد، درعوض، ارز آن طرف را می خواست. هیـچ چیز مفت و مجانی به کسـی نمی داد؛ مگر یادگاری به برخی از دوستان. درعوضِ آن نیز یادگاری می گرفت که آن طرف به دردش بخورد. به فکر فرو رفتم. به راستی مگر ما نمی خـواهیم آن طرف برویم؟ منظـورم خـارج از کشـور نیست. منظـورم جهـان جاویـدان است. پول آن دنیـا را نقـد کرده ایم؟ پول آن طرف چیست؟

هنگامی که علی از نبرد صـفین برمی گشـتند، از کنار گورسـتان گذشتند، مصاحبه ای با مردگان کردند و فرمودند: «شما پیش از ما رفتید و ما درپی شـما روانیم و به شما خواهیم رسید. اما خانه هایتان، دیگران در آن سکونت گزیدند و زنانتان، با دیگران ازدواج کردند و اموالتان، میان دیگران تقسیم شـد. این خبری است که ما داریم. حال شـما چه خبر دارید؟» سپس، به اصحاب خود رو کردند و فرمودند: «بدانید اگر اجازهٔ سخن گفتن داشتند، شما را

خبر می دادند که بهترین توشه، تقواست.»(۱) امام صادق می فرمودند:

«مَثَل آدم حریص در دنیا، به مانند کرم ابریشمی است که هرچه بیشتر پیرامون خود تار بتند، خارج شدن از آن برایش مشکل تر می شود تا اینکه درمیان آن می میرد.»(۲)

بنابراین، امامان معصوم به شیعیان خود تأکید می کردند حتماً باید در زندگی شان محاسبه پیشه کنند. در روایتی از امام موسی بن جعفر آمده است که فرمودند: «هرکس که در هر روز حسابگر خود نباشد، از ما نیست. بنابراین، اگر کار نیکی کرده است، از خداوند بخواهد که آن را بسیار کند و اگر کار بدی کرده است، از خداوند بخشش بخواهد و توبه کند.»(۳)

ص:۱۶

۱- . صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۹۳، حکمت ۱۳۰.

۲- . محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۲، چ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ص۱۳۴، حدیث ۲۰.

۳- . الکافی، ج ۲، قم: الاسلامیه، ص۴۵۳، حدیث۲.

۱.۳. چرا چشم انداز؟

برخی جامعه شناسان گفته اند جامعه ای که هدف و چشم اندازی نداشته باشد، به مشکلات زیر دچار می شود:

۱. نخبگان و اندیشمندان جامعه به سبب نداشتن برنامه ای مشخص، دچار سردرگمی می شوند؛

۲. نیرو های فعال و نخبه به سوی نظریه های مختلف می روند و هریک پیرو نظریه ای می شوند؛

۳. ادارهٔ جامعه هر چند وقت یک بار، در اختیار پیروان یک نظریه می افتد و معمولاً کار های گروه پیشین را خنثی می کند؛

۴. این دست به دست شدن ها و رفت و برگشت ها، بودجه و نیروی جامعه را تلف می کند؛

۵. جامعه هر روز درمعرض بحران جدیدی قرار می گیرد؛

۶. درنهایت، دشـمن و رقیبان آن فرهنگ و تمدن، در ظاهر، پشتیبان یکی از نظریات شده و کم کم در جامعه نفوذ می کنند و سپس، چیره می شوند.

ص:۱۷

جالب است بدانید کارشناسان تربیتی و اخلاق می گویند اگر انسان نیز چشم اندازی برای زندگی خود تعریف نکند، دچار همین مشکلات خواهد شد؛ یعنی:

۱. در زندگی سردرگم شده و نگاهش به رفتار دیگران دوخته می شود؛

۲. در کارها منتظر است که دیگران چگونه عمل می کنند و زندگی را همیشه از نگاه دیگران می بیند؛

۳. قدرت نه گفتن به کسی را ندارد، دیگران به او دستور می دهند و در زندگی اش به راحتی دخالت می کنند؛

۴. آنجاکه به سخن این و آن رفتار می کند، رفتار های گوناگونی از او دیده می شود. همیشه از زندگی ناراضی است، حسرت زندگی دیگران را دارد و دچار غم و افسردگی و نگرانی می شود؛

۵. علاوه بر هزینه های بیهوده، عمرش در راه های گوناگون تلف می شود؛

ص:۱۸

۶. شیطان، سرمایهٔ عمر او را در راه های بیهوده مصرف می کند و درنهایت، به انسانی زیان کار و خاسر تبدیل می شود.

امیرمؤمنان فرموده اند: «دنیا سرای گذر کردن است، نه سرای ماندگاری. در آن، دو دسته از مردان هستند: مردی که خود را در آن می فروشد و اسیر می کند و مردی که خود را می خرد و آزاد می کند.(۱) ارزشِ هرکس برابر با اندازهٔ شناختش است و مردی که ارزش خود را نداند، نابود می شود.»(۲)

ص:۱۹

۱- . قَالَ علی: الدُّنْیا دَارُ مَمَرٍّ لَا دَارُ مَقَرٍّ وَ النَّاسُ فِیهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِیهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۹۳، قصار۱۳۳.

۲- . هلك امرء لم یعرف قدره. نهج البلاغه، حکمت۱۴۹.

تصویر



ص:۲۰

فصل دوم: فرصت ها و ظرفیت ها

اشاره

تصویر



ص:۲۱

۲.۱. پُرترین سرمایه

در جبهه که بود، موتور تریل هوندا سوار می شد و می رفت جلو؛ اما حالا که جنگ تمام شده است، تَرک موتور برخی بچه ها که می نشیند، دائم می گوید: «احتیاط کن! یواش برو!» از او پرسیدم: «چرا الان این قدر می ترسی؟ جبهه که بودی، نترس بودی.» گفت: «آنجاکه بودم، دوست داشتم به دشمنِ دین ضربه بزنم و جانم را در راه خدا بدهم؛ اما الان اگر ترمز بگیری و سرم به کف خیابان بخورد، جانم را برای چه ازدست داده ام؟ من که یک جان بیشتر ندارم. اگر قرار است ازدست بدهم، می خواهم آن را بسیار گران بفروشم.»

«ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می رهاند؟ به خدا و رسولش ایمان آورید.»(۱) به راستی، کسانی که به خدا ایمان دارند،

ص:۲۲

۱- . «یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله.[صف، ۱۰و۱۱.

شجاع ترین مردم هستند؛ چراکه می دانند عمر و سرمایهٔ اصلی زندگی شان را بیهوده هدر نداده اند؛ بلکه در نزد خداوند ذخیره کرده اند. امام رضا فرمودند: «هرکس می خواهد نیرومندترین مردم باشد، باید بر خداوند توکل کند.» پرسیدند: «حدّ توکل چیست؟» فرمودند: «از غیر او نترسد.»(۱)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، ام-ام خمینی، در آخرین جملات وصیت نامهٔ خود چنین آورده اند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار، به فضل خداوند، از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم.»(۲) ایشان مرگ را نه تنها پایان هستی خود نمی دانند، بل-که آن را سفری به جاودانگی می دانند.

انسان هایی که خداباور نیستند، همیشه با چالش بزرگ فکری و روانی، به نام مسئلهٔ مرگ

۱- . عَنِ الْعَالِمِ ع أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ سُئِلَ عَنْ حَدِّ التَّوَكُّلِ مَا هُوَ قَالَ لَا تَخَافُ سِوَاهُ. منسوب به علی بن موسی الرضا، الفقه المنسوب إلی الامام الرضا، چ۱، مشهد: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۶ق، ص۳۵۸، باب۹۶.

۲- . صحیفهٔ امام، ج ۲۱، ص ۴۵۰.

روبه رو هستند. آنان مرگ را پایان کار خود می دانند و برای بهره گیری از دنیا همهٔ تلاش خود را می کنند و هرگاه اندکی خود را به مرگ نزدیک ببینند، دچار نگرانی می شوند؛ خلاف کسانی که در دنیا برای خداوند کار می کنند. پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند. آنان هنگام مرگ آرامش بسیار دارند و بسیار راحت از این دنیا جدا می شوند. امام سجاد از شادابی سرشار خود هنگام عبادت خداوند، این گونه سخن می گویند: «کجا به شادمانی می رسد کسی که کوشش او به سوی غیر تو باشد و کجا به آسایش می رسد کسی که اراده اش به سوی غیر تو بود؟»(۱)

بدانید کسانی که در دنیا برای راه خدا هزینه می کنند و به دنبال آن نه منّتی می گذارند و نه اذیتی دارند، نه غمی بر گذشته دارند و نه ترسی از آینده؛ چراکه مزدشان نزد خداوند محفوظ

ص:۲۴

۱- . مناجات امام سجاد، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۷۵؛ ابطحی، صحیفهٔ سجادیه، ص ۴۴۱.

است.(۱) اگر می خواهید از افراد باایمان باشید، باید این چهار رکن را در خود تقویت کنید. این رکن ها همان است که امام رضا فرمودند: «ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خداوند عزّوجل، راضی بودن به قضای خداوند، تسلیم بودن بر فرمان خداوند و واگذارکردن امور به خداوند.»(۲)

۲.۲. پیوند خوردن با ریشه ها

بی تردید، مهم ترین راهِ دور ماندن از گناه، تقوا، یعنی پرواداشتن از خداوند و خودسازی انسان است. می توان گفت یکی از ظرفیت های مهمی که به ایمان انسان بسیار کمک می کند، نظارت همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به خصوص میان بستگان و خویشان. این نظارت فقط با ارتباط با خویشاوندان، یعنی صلهٔ رحم، انجام می شود.

امام صادق فرمودند: «صلهٔ رحم و نیکی به خویشان، حسابرسی را آسان می کند و

۱- . بقره، ۲۶۲.

۲- . عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، طبع الحدیثه، چ۱، قم: مؤسسهٔ آل البیت، ۱۴۱۳ق، ص۳۵۴، حدیث۱۲۶۸.

انسـان را از گناه مصون می دارد.»(۱) امیرمؤمنـان، علی، صـلهٔ رحم را بال های انسان برای پرواز کردن و ریشه های انسان دربرابر سـختی ها و دشمنان می دانند.(۲) در روایاتی از امام رضا نقل شده است: «برای طولانی شدن عمر، وسـیله ای جز صـلهٔ رحم نمی شناسیم. خداوند به سبب صلـهٔ رحم، سـی سال بر عمر انسان می افزاید و به سـبب قطع رحم، سـی سال از عمر انسان می کاهد.»(۳) البته بایـد یادآور شد که این رفت و آمدها به ضرر دین و آخرت ما نباشد؛ وگرنه باید دوری کرد.

امام موسـی کاظم به مردی فرمودند: «چرا تو را نزد عبدالرحمان بن یعقوب می بینم؟» عرض کرد: «او خالوی من است.» حضـرت فرمودند: «او دربارهٔ خدا گفتاری بس نادرست دارد و خداوند را که هرگز به وصف نمی آید، توصیف می کند. یا با او بنشین و ما را ترک کن، یا

۱- . بحارالانوار، ج ۷۸، باب۲۳، حدیث۱۵۹.

۲- . محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم: هجرت، چ۱، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۵، نامهٔ۳۱.

۳- . نک: اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۲، حدیث۱۷.

با ما بنشین و او را ترک کن.» عرض کرد: «او هرچه می خواهد می گوید. آیا هرگاه آنچه را می گوید نگویم و حتی بدان معتقد نباشم، از طرف او گناهی بر من است؟» حضرت فرمودند: «آیا نمی ترسی بلایی نازل شود و همه را فراگیرد؟»(۱)

۲.۳. می توان از مشکلات نردبانی ساخت

می گویند کشاورزی الاغی داشت که روزی، به طور اتفاقی، درون چاه بدون آبی افتاد. کشاورز هرچه سعی کرد، نتوانست الاغ را از چاه بیرون آورد. برای آنکه حیوان بیچاره زجر نکشد، کشاورز و مردم روستا تصمیم گرفتند چاه را با خاک و سنگ پر کنند تا الاغ زود تر بمیرد و زیاد زجر نکشد. اما هر بار که روی الاغ خاک می ریختند، او تکانی به خود می داد و خاک ها را زیر پایش می ریخت. هرچه خاک ها بیشتر بر سر الاغ می ریخت، او بالاتر می آمد

۱- . اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۴، حدیث۲.

و خوشحال تر می شد. سرانجام توانست خود را نجات دهد. مشکلات زندگی مثل تلّی از خاک بر سر ما می ریزد و ما مثل همیشه، دو انتخاب داریم: اول، اجازه دهیم مشکلات، ما را زنده به گور کند و دوم، از مشکلات سکّویی بسازیم برای بالندگی و رشد.

البته، این به معنای انکار واقعیات و ندیدن مشکلات خود و دیگران نیست. نمی خواهیم خود را فریب دهیم و ناکامی ها و تلخی ها را انکار کنیم؛ بلکه می گوییم با شناخت دقیقِ مشکلات می توان از آن ها سکّویی برای پرواز ساخت. راز و رمز شیرین زندگی کردن چندان سخت نیست. فقط باید بدانیم چگونه زندگی کنیم. آری؛ مشکلات و ناکامی های مسیر زندگی، مواد خام مشکلات زندگی است. زندگی ما همواره با مشکلات و سختی ها معنا می یابد. ما آمده ایم مسائل زندگی را حل کنیم و لذت حل مسائل و مشکلات را بچشیم.

اما باید بدانیم بسیاری از مشکلات، برگهٔ امتحانی ما نزد خداوند است. خداوند در آیات ۱۵۵تا۱۵۷ سورهٔ بقره می فرماید: «قطعاً همهٔ شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و

کـاهش در مـال ها و جان ها و میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به اسـتقامت کننـدگان؛ آنان که هرگاه مصـیبتی به ایشان می رسـد، می گوینـد: مـا از آنِ خـدا هستیم و به سوی او بـازمی گردیم. این افراد، همـان ها هسـتند که الطاف و رحمت خـدا شامل حالشان می شود و آنان هدایت یافتگان هستند.»

۲.۴. دعا؛ نگاه ما به خود در آیینهٔ خدا

می گویند هدف از آفرینش آدمی، بندگی او دربرابر خداوند است؛(۱) اما گوهر بندگی، نیایش آدمی نزد خداوند است.(۲) در قرآن شریف آمده است: اگر نیایش و دعا کردن آدمی دربرابر خداوند نبود، او را ارزشی نزد خداوند نبود.(۳)

ص:۲۹

۱- . «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُونِ.[ذاریات، ۱۴۱.

۲- . الدعا مخ العباده. (=دعا گوهر بندگی است). بحارالانوار، ج ۹۳، ص۳۰۰، حدیث۳۷، باب۱۴۹.

۳- . «قُلْ ما يعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّی لَوْ لا دُعاؤُكُمْ.» فرقان، ۷۷.

می گویند اگر قرآن سخن فرو فرستاده شدهٔ خدا با آدم است، دعا سخن بالارونده آدمی با خداست. دعا نگاه آدمی در آیینهٔ خدایی بر سرمایه های خود و وحشت از بی چیزی خود است. دعا اعلام تجدیدنظر انسان در مصرف عمر خود و شکایت از خود به خداست. دعا نگاه آزمندانهٔ انسان به بخشایشگری و مهربانی خداوند و شیرین زبانی برای اوست.

امام زین العابدین در نیایشی با پروردگار چنین نجوا می کنند: «خداوندا... دل خوش ندارم؛ مگر با نگاه به رویت و آرامش و قراری ندارم؛ مگر با نزدیکی به تو... بیماری ام بهبود نشود؛ مگر با درمان تو. غمم ازبین نرود؛ مگر با نزدیکی به تو.»(۱)

۲.۵. شکر؛ ثبت دارایی واقعی مان

آورده اند گنجشکی خانه خراب روی شاخهٔ درختی نشست. با چشمی غم بار و هراسان،

ص:۳۰

۱- . مفاتیح الجنان، ج ۱، ص ۱۲۶، الحادیه عشره مناجات المفتقرین.

به این سوی و آن سوی نگاه می کرد. ندایی ازسوی حق آمد: «با من از آن سنگینی بگو که در سینهٔ توست.» گنجشک گفت: «لانه و سرپناه کوچکی داشتم که آرامگاه شب ها و خستگی هایم بود. همان را هم از من گرفتی. خداوندا، این توفان بی موقع چه بود که لانه ام را واژگون ساخت؟ لانهٔ محقر من کجای این دنیای بزرگ را گرفته بود؟» سنگینی بغضی راه کلامش را بست و فقط با چشمان غم بارش، به این گوشه و آن گوشه نگاه می کرد.

ندا آمد: «تو در خواب عمیق بودی. ماری به کنار لانه ات خزیده بود و می خواست تو را ببلعد. باد را گفتم که لانه ات را واژگون کند. آنگاه تو از خواب بیدار شدی و از کمین مار پرگشودی.»

چشمان گنجشک در مهربانی خدا خیره مانده بود. اشک در دیدگانش حلقه زد و سرش را از خجالت فرود آورد.

این ماجرا، درواقع، طعن و اعتراض به آن دسته از انسان هایی است که در نعمت های

ص:۳۱

خداوند غرق بوده اند و خداوند چه بسیار بلاها را به واسطهٔ محبتش از آنان دور کرد و آنان ندانستند و ناسپاسی کردند. به محض مواجهه با اندک ناگواری و اندوه که به نسبت خوشی ها و لذت ها بسیار ناچیز است، به انکار نعمت های الهی لب می گشایند و به اعتراض روی می آورند و همهٔ رحمت ها و نعمت های خداوندی را از یاد می برند.

باید دانست که همیشه گذر زمان، داشته ها و دارایی های انسان را برای او عادی و بی اهمیت می سازد و نداشته ها یا داشته های دیگران را برای او مهم و آرزو. بنابراین، گاهی نیاز است کسی انسان را به داشته ها و توانایی های خود متوجه سازد. در قرآن کریم و روایات آمده نعمت های خداوند را به یاد آورید و تأکید شده است شکرگزار خداوند باشید که نعمت او را افزون می کند.(1) انسان زمانی شکرگزار می شود که توانایی و نعمتی در خود ببیند و آنگاه است

۱- . ابراهیم، ۷.

که لب و دل به سپاس پروردگار می سپارد. در دعای کمیل آمده است: «ای خدا، ای مولای من، چه بسیار کار های زشتم مستور کردی. چه بسیار بلا های سخت از من بگردانیدی. چه بسیار که از لغزش ها مرا نگاه داشتی. چه بسیار ناپسندها که از من دور کردی.»

بندهٔ واقعی به داده های خدایش راضی است و در همه حال، شکرگزار اوست؛ چه آنگاه که در خوشی باشد و چه آن زمان که دچار تلخ کامی شود. زبان حال این افراد چنین است. آیا افرادی را می شناسید که در ظاهر، صاحب همه چیز هستند: شغل عالی، زندگی مرفه، منبع درآمد کافی؛ با این حال، نگران و مضطرب اند و احساس خوشبختی نمی کنند. در حالی که افراد دیگری را می شناسید که حداقل در ظاهر، دارایی چندانی ندارند؛ ولی باوجوداین، شاد و بشّاش به نظر می رسند.

معروف است که امام رضا دربارهٔ سجدهٔ بعد از نماز واجب فرموده اند شکرگزاری خداوند است و در آن کمتر سخنی شایسته است گفته شود؛ مگر اینکه سه بار بگویید: «شُکْراً

ص:۳۳

لِلَّهِ.» معنای آن این است: سپاس می گویم خداونـد را که مرا موفق گردانید بر بندگی اش و اجرای تکلیف واجب. شکرگزاری باعث افزایش نعمت می شود. اگر در نمازی کوتاهی باشد، با همین سجده کامل می شود.(۱)

۱- . محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ج ۱، چ۱، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق، ص۲۸۱، حدیث۲۷.

فصل سوم: خطرات سر راهم چیست؟

اشاره

تصویر



ص:۳۵

همه خسته و برخی نیز زخمی بودند؛ اما لبخندی پیروزمندانه بر لب داشتند. بر چهرهٔ پیامبر نگاه کردند. ایشان نیز تبسمی بر لب داشتند. به یارانشان نگاهی انداختند و فرمودند: «آفرین بر گروهی که جهاد کوچکی را انجام دادند و به جهاد بزرگ رو کرده اند.» پرسیدند: «ای پیامبر خدا، جهاد بزرگ کدام است؟» فرمودند: «جهاد با نفْس است.»(1) نبردی که در آن بسیاری از سرداران و مجاهدان به اسارت درآمدند، جهاد با نفس و نبرد با هوا و هوس بود. بنابراین، نمی توان در صراط مستقیم پایدار ماند؛ مگر اینکه سنگرها و کمینگاه های دشمن را شناخت و برای روبه روشدن با آن ها آماده بود.

۳.۱. گناهان کوچک؛ کمینگاه شیطان

انسان هایی سقوط کرده اند که در آغاز، از گناهانی شروع کردند که درنظر آنان، بسیار کوچک

۱- . کافی، ج۵، ص ۱۳، حدیث۳.

و کم اهمیت بود. پس از آن، گناه بعدی نیز درنظرشان کوچک جلوه می کند و این کار با سرعت بیشتر پیش می رود. سپس، نگاهی مجرمانه و مأیوسانه به خود می اندازند و خود را در دست شیطان رها می کنند. ازاین روست که امیرمؤمنان می فرمایند: «بدترین گناهان گناهی است که انجام دهنده، آن را بی اهمیت شمارد»(۱) یا «بزرگ ترین گناه در نزد خداوند سبحان، گناهی است که کننده، آن را کوچک

شمارد.»(۲)

۳.۲. عُجب و غرور؛ ویروس اختراعیِ شیطان

از دام های شیطان که یک عمر بندگی و عبادت را نابود می کند، عُجب و خودشیفتگی

ص:۳۷

۱- . صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۳۵، حکمت۳۵۴یا۳۴۸.

۲- . أعظم الذّنوب عند اللّه سبحانه ذنب صغر عند صاحبه. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، چ۲، قم: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۰ق، ص۲۰۱، حدیث ۳۱۹.

است.(۱) این دام ویروس خطرناکی است که انسانی پرهیزکار را یک باره، به انسانی کافر و فاسق تبدیل می کند. چه نیکو حکایت کرده اند که دو مرد داخل مسجد شدند. یکی عابد بود و دیگری فاسق. پس از مدتی که از مسجد بیرون آمدند، مرد فاسق، درستکار شده بود و مرد عابد، فاسق. عابد با حالتی داخل مسجد شد که به عبادت خویش می بالید و همهٔ فکرش به آن بود؛ درحالی که همهٔ فکر فاسق بر پشیمانی از نافرمانی اش و اینکه از خداوند برای گناهانش آمرزش بخواهد.(۲)

خودشیفتگی و عُجب مفسده ای درونی است که همیشه از آن غفلت می شود. چه بسا سالیان درازی در دل و جان آدمی ریشه دوانده است و انسان از این مرض کُشنده آگاهی ندارد.

ص:۳۸

۱- . از امام جعفر صادق روایت است که فرمودند: «هرکه عُجب در او داخل شود، هلاک می شود.» اصول کافی، ج ۲، ص۳۱۳، حدیث۲.

۲- . همان، حدیث۶.

حضـرت موسـی نشسته بود که ناگاه، شیطان بر ایشان وارد شد. شیطان کلاهی رنگین بر سر داشت. به او نزدیک شد و کلاه را از سر برداشت. نزد موسـی ایسـتاد و سـلام کرد. موسی به او فرمود: «تو کیستی؟» گفت: «من شیطانم.» فرمود: «تویی؟ خداوند کسی را به خانهٔ تو نزدیک نکند [و شـیطان همسایهٔ کسـی نباشد«.» گفت: «من نیامده ام؛ مگر آنکه به سـبب جایگاهی که نزد خدای عزّوجل داری، بر تو سـلام کنم.» موسی به شیطـان فرمود: «این کلاه چیست؟» گفت: «با این کلاه، دل فرزنـدان آدم را می ربایم.» موسـی فرمود: «مرا خبر ده از آن گناهی که چون فرزند آدم آن را انجام دهد، بر او چیره می شوی.» گفت: «آن وقتی است که او خودشـیفته می شود [و عُجب می ورزد«: عمل خود را بسیار شمارد و گناهش در چشمش کوچک شود.»(۱)

عُجب آن است که انسان خود را دارای توانمندی ها و برتر هایی همچون دانش، دارایی،

ص:۳۹

۱- . اصول کافی، ج ۲، ص۳۱۴، حدیث۸.

تصویر



ص: ۴۰

جایگاه اجتماعی، آبرو، عملکرد، انـدیشه، هوش، زیبایی، خِرد و حتی تدّین و... بداند و به وجود این کمالات در دیگران توجه نداشـته باشد و در درون، بر خود ببالـد؛ اما غرور به معنای هر چیزی است که انسان را می فریبـد و در غفلت فرو می برد؛ خواه مال و مقام باشـد، یا شـهوت و شیطان. سـعدی در حکایتی این گونه از خویش نقل می کند: به خاطرم هست در دوران کودکی، بسـیار عبادت می کردم، شب را با عبادت به سر می آوردم و در زهـد و پرهیز، کوشا بودم. شبی در محضـر پـدرم نشسـته بودم و همهٔ شب را بیدار بوده و قرآن می خواندم. گروهی نیز در کنـار ما خوابیـده بودنـد که حتی بامـداد، برای نماز صـبح برنخاسـتند. به پـدرم گفتم: «از این خفتگان، یک نفر برنخاست تا دو رکعت نماز به جای آورد. به گونه ای در خواب غفلت فرو رفته انـد که گویی نخوابیـده انـد؛ بلکه مرده انـد.» پـدرم گفت: «عزیزم، تو نیز اگر تا به صـبح در خواب بودی، بهتر از آن بود که به نکوهش مردم زبان بگشایی و به غیبت و عیب جویی آنان بپردازی.»

ص:۴۱

۳.۳. خشم؛ ابزار چیرگی شیطان

در متون دینی و ارزشی اهل بیت آمده است غضب، کلید هر بدی است؛(۱) چراکه انسان به هنگام خشم، هر گناه کبیره ای مانند قتل نفس و متهم کردن انسان های پاک و حتی انکار خداوند را مرتکب می شود. یکی از روان شناسان بزرگ دنیا می گوید: «این باور، افسانه ای و غیرعقلانی است که خشم و ترس و اندوه را ناشی از رویداد های بیرونی انسان بدانید و کنترل آن ها را خارج از عهدهٔ فرد. واقعیت این است که بیشترِ احساساتِ ناخوشایندِ فرد و باور های غیرعقلانی او و گفت وگو های درونی (غرزدن ها)، ناشی از این گونه باورهاست.»(۲)

امام صادق فرمودند: «خشم، دلِ مردِ حکیم را ازبین می برد» و فرمودند: «هرکه مالک

ص:۴۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص۳۵۸، حدیث۲۰۷۳۳.

۲- نک: آلبرت الیس و رابرت هارپر، راهنمای ازدواج موفق (از مجموعه کتاب های خودیاری۱۰)، ترجمهٔ الهام شفیعی، تهران: مؤسسهٔ خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۵ش، ص ۲۳و۲۴.

خشمِ خود نیست، مالک عقل خود نیست.»[(۱)] خشم شراره ای شیطانی است که در دل آدمیزاد برافروخته می شود. هنگامی که یکی از شما خشمگین شده و چشمانش سرخ شود و رگ های گردنش باد کند، شیطان درون او می شود.[(۲)]

نمی شود خشم را به طور کلّی حذف کرد؛ چراکه همهٔ مشکلات خانوادگی و تربیتی و اقتصادی و نیز مسائل اجتماعی، فرهنگی، آرمانی، سیاسی، اقتصادی و حتی جهانی که اتفاق می افتد و تغییر آن در اختیار ما نیست، موجب درد و اندوه و خشم ما می شود. پس، باید شیوه های گوناگون دیگری برای اِبراز خشم فراگرفت. در روایت آمده است هنگامی که مؤمن غضبناک می شود، غضبش او را از راه حق بیرون نمی کند و هنگامی که خشنود می شود، این خشنودی او را به باطل وارد نمی کند و هنگامی که قدرت می یابد، بیشتر از

۱- . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۰، حدیث۲۰۷۴۱- ۱۱.

۲- . اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۵، حدیث۱۲.

حق

خود نمی گیرد.(۱)

در روایـات دینی سـفارش شـده است درحـال خشم، تصـمیم نگیریـد و برای کـاهش این حـالت، تغییر موقعیت بدهیـد؛ مثلاً اگر ایسـتاده ایـد، بنشینید.(۲)

۳.۴. نکته های طلایی

بـدون شک، احساسات ما به شـیوهٔ اندیشـهٔ ما وابسـته است. برخی انـدیشه ها زمینهٔ خوبی برای خشم و درگیری دارد و برخی دیگر خشم را به آسانی کنترل می کند. بنابراین بهتر است هنگام اندیشیدن دربارهٔ موضوعی که شما را خشمگین ساخته است، کارهای زیر را انجام دهید:

۱. از زاویهٔ دید دیگران به موقعیت و مشکل نگاه کنید و ببینید طرف مقابل شما چه

۱- . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص۳۵۸، حدیث۲۰۷۳۱- ۱.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص۳۶۳، ۲۰۷۴۹- ۱۹.

نگرشی دربارهٔ این مشکل دارد؛

۲. دقت کنید که فقط به جنبهٔ منفی مسئله توجه نکنید و نکات مثبت را ناچیز نشمرید؛

۳. بپذیرید که ممکن است همه خطا کنند. نباید خطای دیگران را عمدی بدانید یا حتی فرصت خطا را از او بگیرید؛

۴. بپذیرید ممکن است شما نیز در تصمیمات خطا کنید. پس دربارهٔ آنچه مایلید انجام دهید، با شکیبایی اندیشه کنید؛

۵. دربارهٔ پیامد های احتمالی تصمیم خود فکر کنید. آیا کم هزینه ترین راه را انتخاب کرده اید؟ دربارهٔ پیامد سایر راه ها نیز بیندیشید؛

۶. دقت کنید آیا توان کنترل و هدایت راهی را که انتخاب کرده اید، دارید و نظر اطرافیان دربارهٔ شما چگونه خواهد بود.

ص:۴۵

۳.۵. بندها را پاره کنیم تا صفحه های نورانی ما را جادو نکند

راستی، می دانید غربت در خانه یعنی چه؟

همهٔ ما حتی درون خانهٔ خود و در کنار هم، غربیه ای بیش نیستیم. باید گفت همهٔ ما گم شدگانی در فضای رسانه ای هستیم. امروزه، صفحات نورانی چشمان ما را جادو کرده است و با سِحر خود، چشمان ما را به صفحهٔ تلویزیون یا لپ تاپ یا تلفن همراه زنجیر کرده و مجبورمان می کند هرچه در آن می ریزند، با ذهنمان ببلعیم. هرگاه مجبور می شویم سرمان را بچرخانیم، باید فوری به سوی آن برگردیم تا چیزی ازدست ندهیم. رفتن و آمدن ما دیگر حس نمی شود. دیگر به چهرهٔ هم نگاه نمی کنیم؛ بلکه فقط گوشمان صدای همدیگر را تحمل می کند. این یعنی غریبی در خانه و گم شدن در فضای رسانه ها.

ما اجازه داده ایم رسانه ها برایمان احساس نیاز به وجود آورند و آن ها برایمان تعیین کنند که چه نوع برنج و مبل و حتی همسر و شیوهٔ تربیت فرزند و... را انتخاب کنیم. مجبوریم

ص:۴۶

تمامی کارها را فوری انجام دهیم و زود نماز بخوانیم یا کارها را عقب بیندازیم که به تماشای بازی فوتبالِ آن گوشهٔ دنیا بنشینیم یا برای دیدن فلان سریال لحظه شماری کنیم. اگر کودکمان نقاشی خود را به ما نشان دهد، او را با دست کنار می زنیم و... .

از همین امروز، استفاده از تکنولوژی را در زندگی تان محدود کنید. رایانه خیلی معصوم به نظر می رسد؛ اما وقتی قرار باشد هر روز با انگشت روی دکمه هایش بزنید، دیگر چندان معصوم نیست. عادت کنید هرازچندی از صفحهٔ تلویزیون برای چشمان و ذهنتان مرخصی بگیرید. به خود جسارت دهید رایانه و تلویزیون و تلفن همراه را خاموش کنید و با آرامش خیال بیرون بروید و از زندگی تان لذت ببرید.

۳.۶. دوستان و همراهان

خط کش های پنهان ذهن ما چه کسانی هستند؟

هنگامی که به او گفتم: «چرا نمازت را مرتب نمی خوانی؟» گفت: «خدا پدرت را بیامرزد

ص:۴۷

باز خوب است که من گاهی نماز می خوانم. فلانی نه تنها نماز نمی خواند، بلکه حرام را هم انجام می دهد.» شاید شما هم مانند این جمله که «باز خوب است که من...؛ اما فلانی نه تنها...» را شنیده باشید. باید گفت یکی از عوامل مؤثر در گمراهی یا پس رفت برای بسیاری، دوستانی صمیمی یا کسانی هستند که انسان وقت بیشتری با آنان سپری می کند. انسان ها بیشتر عادت دارند خوبی و بدی خود را با رفتار اطرافیان بسنجند و سرعت حرکت خود را با سرعت آنان تنظیم کنند. درحقیقت، دوستان و اطرافیان ما خط کش های پنهان ذهن ما هستند.

خداوند در سورهٔ فرقان می فرماید: «و به یاد آور روزی را که ستمکار دست خود را از فرط حسرت به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم! ای

وای بر من، کـاش فلانـ شـخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم!»(۱) امام صادق در روایتی می فرمایند: «از معاشـرت با دنیادوسـتان بپرهیزیـد؛ چراکه در آن، دین خود را ازدست می دهیـد و به دنبال آن، دچار نفاق خواهید شد. این دردی زشت و منفور بوده که بهبود ناپذیر است و موجب سخت دلی و سلب خشوع و فروتنی می شود.»(۲)

نیز، درجایی دیگر به اصـحاب خود می فرماینـد: «هنگامی که یکی از آنان [یعنی اهل خلاف« چیزی به شـما می رساند که موجب ناخشـنودی شما و آزار ماست، چه چیزی شما را باز می دارد از اینکه بر او وارد شوید و او را توبیخ و سرزنش کنید و به طور مؤثر، با او سخن گویید.»(۳) یکی از آنان گفت: «قربانت شوم، هرگاه از ما نپذیرد؟» حضرت فرمودند: «از آنان

۱- . «وَ یوْمَ یعَضُّ الظَّالِمُ عَلیَ یدَیهِ یقُولُ یلَیتَنیِ اتخََّذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا. یاوَیلَتی لَیتَنیِ لَمْ أَتخَّذْ فُلَانًا خَلِیلًا.» فرقان، ۲۷و۲۸.

۲- . بحار الانوار، ج۷۲، ص۳۶۷.

۳- . همان، ج۱، ص۱۴۵.

دوری کنید و از شرکت در مجالس آنان بپرهیزید.» همچنین، به اصحاب خویش می فرمایند: «کاش هنگامی که از آن مرد چیزی به شما می رسد، نزد او بروید و به او بگویید: ای فلان، یا از ما دوری و کناره گیری کن، یا از این اَعمال دست بردار. درصورتی که خودداری نکرد، از او دوری کنید.»(۱)

در روایتی از امام کاظم نقل شده است که آن حضرت، دوستی با آدم های غیرخردمند را نهی می کنند و می فرمایند: «بپرهیز از آمیزش با مردم و اُنس با آنان؛ مگر میان آنان خردمند و امین یابی. دراین صورت با آنان اُنس بگیر و از غیر آنان بگریز. همان گونه که از جانوران درنده می گریزی.»(۲) دوستی با بَدان و غیرنیکان، موجب هلاکت می شود. چه بسا نداشتن دوست، بهتر از دوستان فاسق است. چنان که امیرمؤمنان در روایتی می فرمایند: «باید اُنس تو به تنهایی بیشتر از هم نشینی با

۱- . همان، ج۹۷، ص۸۸.

۲- . بحار الانوار، ج ۱، ص۱۵۵.

بَدان باشد.»(۱)

۳.۷. زندگی کردن برای یک نگاه

در یادداشت های فرد معلولی می خوانیم: «از دو سال پیش که پای راستم را در اثر تصادف ازدست دادم، معلول شدم و همیشه، با استفاده از عصا راه می رفتم. راه رفتن با یک پا، نگاه های از سر تعجب یا دلسوزی مردم را به سوی من می کشانْد. به این نگاه عادت کرده بودم. به انرژی ناشی از علاقهٔ بصری مردم به بدنم، احساس نیاز می کردم و گاه منتظر آن می شدم. حال، احساس می کنم درحال اجرای نقشی هستم که خودم برای خودم ننوشته بودم؛ بلکه دیگران مرا وادار به بازی می کردند... نزد دیگران، دیگر به خودی خودم کمتر توجه داشتم... .» راستی، مگر نگاه مردم به ما چه می دهد که بسیاری از اوقاتِ خود را برای

ص:۵۱

۱- . الحکم، ج۲، ص۱۴۳.

آن هزینه می کنیم؟

چه بسیار است که ما نیز برای نگاه مردم و تعجب آنان، خود را هزینه می کنیم؛ ازجمله انتخاب مدل لباس، آرایش مو، ماشین و حتی آجرهای ساختمان خانه. گویا تنها چیزی که تشنگی ما را پاسخ می دهد، نگاه متعجب یا تحسین دیگران است. گاهی کلمهٔ تعجب آنان ما را به اوج می رساند و گاهی روزها و بلکه ماه ها تلاش می کنیم نگاه تعجب آمیز فرد یا افرادی را به سوی خود جلب کنیم. گمان نمی کنید این رفتار از معلولیت شخصیت و خیالی ناشی باشد که در نگاه خودمان به خود احساس می کنیم و کمبودی است که در خود احساس می کنیم و درصدد جبران آن هستیم؟ هرچه هست بگذریم؛ اما...

می گویند کسی نزد حکیمی گفت: «بدبخت ترین آدمیان کسی است که آخرت جاویدان خود را به چند روز خوشی دنیا بفروشد.» حکیم گفت: «بدبخت تر از او کسی است که آخرت جاوید خود را به چند روز خوشی دیگران بفروشد!» به ذهن خود فشار نیاورید تا دیگری به

یادتان آیـد. تاکنون چنـد بار شـده است که در مجلسـی، برای آنکه دیگران را به تعجب وادارید، اخباری خصوصـی از زندگی دیگران گفته اید؟ آیا تلاش برای خندیدن اطرافیان با تمسخر دیگران، از نمونه های خرید گناه برای شادی دیگران نیست؟

خداونـد در قرآن مجیـد می فرمایـد: «بدانیـد زندگی دنیا، فقط بازی و سـرگرمی و تجمّل پرستی و فخرفروشـی میان شـما و نیز افزون طلبی در اموال و فرزنـدان است؛ هماننـد بـارانی که حاصـل آن، کشـاورزان را در شـگفتی فرو می برد و سـپس، خشک می شود. به گونه ای که آن را زردرنگ می بینی. سپس، به کاه تبـدیل می شود. در آخرت، عـذاب شدیـد است یا مغفرت و رضای الهی. به هرحال، زنـدگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!»(۱)

ص:۵۳

۱- . «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَیاهُ الدُّنْیا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِینَهٌ وَ تَفاخُرٌ بَینَکُمْ وَ تَکاثُرٌ فِی الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ کَمَثَلِ غَیثٍ أَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَباتُهُ ثُمَّ یهِیجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یکُونُ حُطاماً وَ فِی الْآخِرَهِ عَذابٌ شَدِیدٌ وَ مَغْفِرَهٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٌ وَ مَا الْحَیاهُ الدُّنْیا اِلاَّ مَتاعُ الْغُرُورِ.» حدید، ۲۰.

تصویر



ص:۵۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهـایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلیـد و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسـسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹